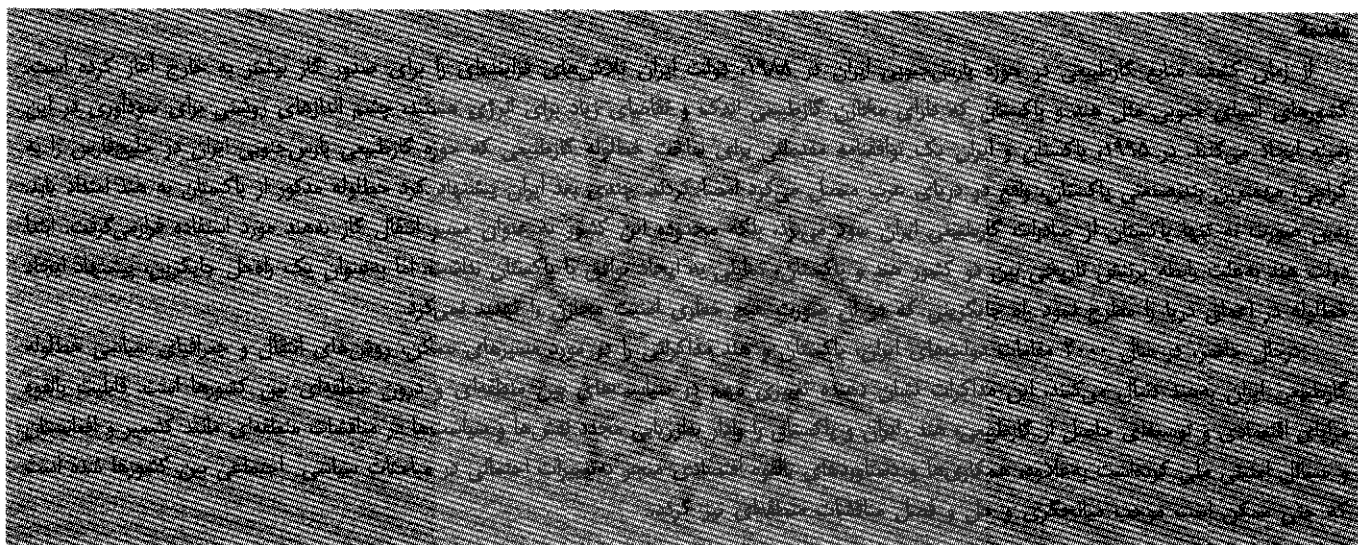


خط لوله گاز طبیعی ایران به هند

پنجمه شهری

چکیده

ایران با داشتن ۸۱۲ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی رتبه دوم را در بین کشورهای جهان از لحاظ میزان ذخایر گاز طبیعی داراست لذا صادرات گاز طبیعی نقش مهمی را در پویایی اقتصاد این کشور ایفا می‌کند از سوی دیگر کشورهای آسیای جنوبی مانند هند و پاکستان دارای مخازن گاز طبیعی اندک و تقاضای روزافزون برای این انرژی هستند. بدین ترتیب ایران در سال ۱۹۹۳ پیشنهاد صادرات گاز طبیعی به هند و پاکستان را مطرح نمود که مشتمل بر ساخت خطلوله‌ای از حوزه پارس جنوبی در خلیج فارس به کراچی و مولتان و در نهایت دهلی می‌شد. مقاله حاضر با مروری بر اقتصاد سه کشور تأثیر این خطلوله را بر روابط سیاسی، اجتماعی بین کشورها و امنیت ملی و حل مناقشات منطقه تبیین می‌کند.



خط لوله صلح

آینده اقتصادی دارد. حقایقی که در این مطالعه موردی وجود دارد نمایانگر این مسأله است که جهانی‌سازی چند موضوعی چهره سیاست‌های منطقه‌ای و دورنمای اجتماعی و سیاسی منطقه‌ها را تغییر می‌دهد.

مذاکره در خصوص خطلوله

ایران، با داشتن حدود ۹٪ ذخایر کل جهان، دومین تولیدکننده بزرگ نفت اوپک است. درکنار ذخایر نفت، ایران از نظر اندازه ذخایر گاز طبیعی دومین کشور در جهان است که میزان آن ۸۱۲ تریلیون فوت مکعب تخمین زده می‌شود. با وجود این که مصرف گاز طبیعی ایران بالا است، این کشور به دلیل اقتصاد ناپایدار و به‌منظور برآورده ساختن نیازهای امروزی سازی، شدیداً نیاز به رونق بخشیدن به بازارهای صادرات گاز دارد. ایران برای برطرف کردن این نیازها، حضور در بازارهای منطقه، ازجمله بازارهای جنوب آسیا را برای صدور گاز طبیعی خود هدف قرار داده است. پیشنهاد صادرات گاز طبیعی از ایران به هند از سال ۱۹۹۳ توسط ایران مطرح و به موازات این پیشنهاد، طرح صادرات گاز طبیعی به پاکستان نیز ارائه شد. دولت ایران پیشنهاد ساخت خطلوله‌ای را از مناطق پارس جنوبی

حل مناقشات سیاست خارجی و منطقه‌ای

صدور گاز طبیعی از ایران به هند و از خاک پاکستان حرکتی است که ممکن است سیاست‌های منطقه‌ای در جنوب آسیا را متحول کند. برای دولت هند این موضوع حائز اهمیت است که آیا پاکستان می‌تواند امنیت جریان گاز طبیعی در خطلوله را تضمین کند همکاری پاکستان با ایران ممکن است باعث تسهیل در حل مناقشات نیز میگردد. در گذشته سیاست‌های خارجی ایران و پاکستان در رابطه با مسائل افغانستان و مناقشات شیعه و سنی در منطقه با یکدیگر در تضاد بودند. بنابراین تجارت و تجربیات بیشتر در زمینه یکپارچگی اقتصادی این قابلیت را دارد که به‌عنوان میانجی در مناقشات منطقه و بین مناطق ظاهر شود. تجارت گاز طبیعی بین هند، ایران و پاکستان واقعیت‌های استراتژیک جغرافیای سیاسی و تاریخی سه کشور و کل خاورمیانه و آسیا را به‌چالش می‌کشد. بدین ترتیب ارتباط بین اقدام به‌ایجاد خطلوله و جهانی شدن رابطه‌ای است که چند موضوع را دربرمی‌گیرد. این ارتباط صرفاً توسط عوامل اقتصادی مشخص نمی‌شود، گرچه وقایع اقتصادی جاری در ایران، هند و پاکستان دلالت بر لزوم همکاری‌های

در خلیج فارس به شهرهای اصلی پاکستان مانند کراچی و مولتان پس از آن به دهلی هند داد.

در سال ۱۹۹۵، پاکستان و ایران "یک موافقتنامه مقدماتی برای ساخت ۸۷۰ مایل خط لوله ساحلی به ارزش ۳ میلیارد دلار برای صادرات گاز پارس جنوبی به کراچی امضا کردند". این خط لوله شامل شهر مولتان نمی‌شد و انتقال گاز به هند را در بر نمی‌گرفت. براساس پیشنهاد مطرح شده در یک پروژه جدید خط لوله، هند نیز وارد طرح می‌شود و دولت پاکستان قادر خواهد بود گاز قابل-صدور خود را برای فروش در بازار بین‌المللی دهلی هند وارد کند یا برای اهداف داخلی گاز را از مولتان خارج کند. این خط لوله ۲۶۷۰ کیلومتر طول و ۴۸ اینچ قطر دارد و ۳۲ میلیارد دلار گاز را منتقل می‌کند (ارتباطات گاز و نفت الکساندر، ۲۰۰۰). پاکستان می‌تواند تا سقف ۵۰۰ میلیون دلار حق الامتیاز از هزینه انتقال دریافت کند و با خرید گاز ارزانتر، از این پروژه خط لوله، ۲۰۰ میلیون دلار صرفه جویی نماید (هندوستان تایمز، ۷ جولای ۲۰۰۰).

چهار شرکت عمده تمایل خود را برای ساخت خط لوله گاز طبیعی از ایران به هند ابراز کرده‌اند. این شرکت‌ها عبارتند از: NIGC، پتروناس از مالزی و توتال از فرانسه، که هم اکنون نیز با ایران در توسعه یک خط لوله بین‌المللی که از ترکیه می‌گذرد همکاری می‌کند (ارتباطات گاز و نفت الکساندر، ۲۰۰۰). قبلاً یک کنسرسیوم متشکل از شل، بریتش گس (گاز بریتانیا)، پتروناس و یک گروه ایرانی "در مورد چگونگی صادرات گاز از پارس جنوبی به پاکستان مذاکره کرده‌اند". به علاوه شرکت ملی گاز ایران و GAIL از هند در مذاکرات شرکت داشتند. در سال ۱۹۹۹ چندین جلسه بین مقامات دولتی هند و ایران برگزار گردید که منجر به تشکیل هیئت‌های نمایندگی و کمیته‌هایی برای بحث و تبادل نظر بیشتر در مورد عملی بودن پروژه خط لوله شد.

در فوریه ۱۹۹۹، ایران یک موافقتنامه اصولی مقدماتی با هند امضا کرد که در آن با نظریه همکاری دوجانبه موافقت می‌شد گرچه برای اجرای این پروژه، توافقنامه سه جانبه بین هند، ایران و پاکستان ضروری می‌باشد (هندوستان تایمز، ۷ ژوئیه ۲۰۰۰) در آوریل ۱۹۹۹ دولت‌های ایران و هند یک گروه ویژه دوجانبه متشکل از مقامات رسمی دولتی و تجاری تأسیس کردند که تا عملی بودن توسعه خط لوله از نظر صنعتی و اقتصادی را بررسی کنند. در سپتامبر ۱۹۹۹، شرکت ملی گاز ایران یک هیات دو نفره برای مذاکره با GAIL و وزارت نفت هند اعزام نمود تا در مورد تهیه یک گزارش در مورد عملی بودن پروژه خط لوله تبادل نظر کنند (هندو، ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۹) در پایان سال ۱۹۹۹، رئیس قوه مجریه پاکستان، پرویز مشرف، برای بحث و تبادل نظر در مورد روابط دو جانبه و نیز پروژه خط لوله از تهران دین کرد. ماه‌های بعد از دیدار مشرف از ایران نیز دیدارهای دیپلماتیک بیشتری در منطقه صورت گرفت. در مارس ۲۰۰۰، وزیر نفت پاکستان از ایران بازدید کرد تا رسماً موافقت خود را با پروژه خط لوله بین سه کشور اعلام نماید سپس مقامات رسمی ایران در آوریل سال ۲۰۰۰ از اسلام‌آباد بازدید و قرارداد مربوطه را برای امضا به دولت پاکستان ارائه کردند. هدف گروه ویژه دو جانبه ایران و هند شفاف‌سازی و ایجاد اطمینان در این موضوعات برای دولت هند بود. دولت‌های پاکستان و ایران تصمیماتی را در خصوص بخشی از پشتیبانی عملی پروژه مانند امنیت خط لوله در پاکستان، مدت زمان ساخت و طول خط لوله اتخاذ کرده بودند وزیر انرژی پاکستان در ژوئیه ۲۰۰۰ امنیت خط لوله را به عنوان اصلی‌ترین مساله تضمین کرد. سپس تصمیم گرفته شده اگر دولت پاکستان خط لوله را در کوتاهترین زمان ممکن که ۳ سال

است احداث کند دولت ایران نیز هزینه انتقال را افزایش دهد (هندوستان تایمز، ۷ ژوئیه ۲۰۰۰)

با ادامه یافتن نشست‌های بین سه دولت، شرکت‌های نفتی و کمیته‌ها، طرح خط لوله به موضوعات جدیدتری می‌پرداخت که نگرانی بابت مسائل امنیتی تا برآورده کردن تقاضای فزاینده برای انرژی در جنوب آسیا را شامل می‌شد. در این حین مشخص بود که مساله همکاری‌های منطقه بیش از هر چیز دیگری موجب اصلاحات عظیم در منطقه خواهد شد همکاری منطقه‌ای به صورت همکاری هند پاکستان در کنار همکاری ایران هند و ایران - پاکستان می‌تواند به طور بالقوه روابط دو جانبه بین این کشورها را در موضوعات کلیدی و تنش‌های موجود در افغانستان، کشمیر و مسائل امنیت ملی به طور کلی تحت تأثیر قرار دهد.

مشرف پس از ملاقات با رئیس جمهوری ایران در نیویورک در سپتامبر سال ۲۰۰۰، تمایل پاکستان را برای مشارکت در زمینه خط لوله ابراز داشت و از این امر به عنوان نمونه‌ای از همکاری‌های منطقه‌ای استقبال نمود. وی بیان داشت که توسعه و گسترش خط لوله و منابع گاز طبیعی در پاکستان "نجات اقتصاد کشور است" و وابستگی دیرینه به پنبه و منسوجات را به عنوان درآمدهای اصلی صادرات پاکستان تحت الشعاع قرار خواهد داد" (تایمز از هند ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۰). از جمله مسائل دیگری که در این ملاقات مورد توجه قرار گرفت نیاز به یک استراتژی منسجم برای حل مناقشات افغانستان بود. خاتمی بر دو مساله تأکید داشت، اول "رفع سوء تفاهات بین تهران و اسلام آباد" بر سر مساله مناقشات افغانستان و دوم ایجاد یک استراتژی مشترک به منظور حل و فصل اختلافات افغانستان (Times of India سپتامبر ۲۰۰۰)

حل مناقشات افغانستان چه در داخل افغانستان و چه بین ایران و پاکستان در نهایت موجب سود اقتصادی کل منطقه می‌شود. مقادیر عظیم ذخایر گاز طبیعی آسیای مرکزی و نیاز به استفاده از افغانستان به عنوان مسیری برای انتقال این ذخایر به بازارهای دیگر نظیر جنوب آسیا، شرکت‌های نفتی را مشتاق سرمایه‌گذاری برای توسعه اقتصادی و همکاری با افغانستان، ایران و پاکستان کرده‌است. با این وجود در گذشته مساله افغانستان مانع این پیشرفت بود.

قضیه اختلاف افغانستان، مساله امنیت ملی و اهمیت آن در زمینه همکاری منطقه‌ای را مطرح می‌کند. در ابتدا، هر دو کشور پاکستان و هند به دلیل مسائل امنیتی مردد بودند و پیشنهاد خط لوله را رد کردند دولت‌های بی‌نظیر بوتو و نواز شریف طرح‌ها را به علت تردیدهای ارتش در مورد نوع تأثیری که این طرح می‌توانست بر مسائل منطقه‌ای کشمیر و موقعیت دولت در تجارت دو جانبه با هند، بگذارد، رد کردند (زهرا، ۲۰۰۰) اما نگرانی‌های دولت هند بیشتر مربوط به بنیادگراهای پاکستانی که عرضه را قطع می‌کنند بود. (باگجی، ۲۰۰۰). از سوی دیگر هند معتقد است که خط لوله مذکور، اسلام آباد را در یک مزیت استراتژیک قرار می‌دهد که می‌تواند در مواقع بحرانی و تنش‌ها "شیر را ببندد" (رویترز، ۲۰۰۰)

خط لوله ایران هند، از تجارت به عنوان میانجی گر در توسعه سیاست‌های دو جانبه و حل اختلافات هند ایران و پاکستان سود می‌برد. در مورد پاکستان،

طرح خطلوله، این کشور را در ایجاد مجدد روابط نزدیک با ایران یاری می‌دهد. در دهه‌های اخیر پاکستان و ایران به دلیل اختلافات اساسی بر سر مساله جنگ داخلی افغانستان از یکدیگر فاصله گرفته‌اند. پاکستان از طالبان حمایت می‌کند در حالی که ایران از نیروهای مخالف اتحاد شمال که بر ضد طالبان می‌جنگند طرفداری می‌کند. در مورد هند، طرح خطلوله به‌عنوان راهی برای توسعه هر چه بیشتر روابط تجاری و ارتباط با ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در نوامبر سال ۲۰۰۰، یک هیئت تجاری هندی برای بحث و تبادل نظر در مورد پیشنهادات بخش خصوصی هند برای طرح خطلوله ایران هند، از ایران دیدن کرد. در این دیدار، ای سی پاتانکار مشاور اصلی کنفدراسیون صنعت هند که ۴۰۰۰ شرکت عضو آن هستند، نقش‌ها و عملکردهایی که بخش خصوصی مایل به اجرای آن هستند را بیان نمود. او هدف از دیدار هیئت را بررسی موقعیت‌های تجاری و استحکام بخشیدن به روابط ایران و هند اعلام کرد و بیان داشت که چگونه گفتگو بین دو کشور دستخوش یک "شکاف ارتباطی" بوده و این شکاف دلیل اصلی روابط تجاری ضعیف بین ایران و هند شده است. از نقطه نظر هند، طرح خطلوله، بدون در نظر گرفتن یک کشور سوم، توافق دو جانبه است و ارتقا روابط تجاری، راه حل بهبود شکاف‌های ارتباطی یا اختلافات منطقه‌ای است.

پاکستان و ایران نیز می‌توانند حل و فصل مناقشات منطقه‌ای خود را با استفاده از همین پیشنهاد همکاری در طرح خطلوله، آغاز کنند. به‌طور سنتی، گفتگو بین پاکستان و ایران بر سر مساله افغانستان و کشمکش‌های بین مسلمانان شیعه و سنی تمرکز یافته است. این دو کشور، به‌عنوان همسایگان شرقی و غربی افغانستان، در پروسه صلح افغان‌ها نقش منفی داشته‌اند. هیچ زمینه مشترکی بین دو کشور برای حل جنگ داخلی افغانستان وجود ندارد و حتی هردو کشور به طرز تهدیدکننده‌ای بر روی جنگ‌های نماینده‌ای بین شیعه و سنی در داخل کشورهای یکدیگر و نیز در افغانستان سرمایه‌گذاری کرده‌اند که احتمال بروز یک انفجار عظیم در منطقه را افزایش می‌دهد (رشید ۲۱۱). این اختلافات، مساله تازه‌ای در منطقه نیستند. باین وجود، خطری جدی برای همکاری‌های اقتصادی، وابستگی متقابل و جهانی سازی در منطقه محسوب می‌شوند. ضرورت حل این مناقشات با پیدایش ذخایر نفت و گاز طبیعی و طرح‌های مربوط به خطلوله‌های مختلف دیگر در منطقه، تقویت می‌شود. با دانستن این مطلب باید پرسید که آیا توسعه خطلوله‌ها در مناطق جنگ زده و غرق در درگیری‌های مختلف، می‌تواند منجر به حل اختلافات شود و آیا همکاری اقتصادی و جهانی سازی می‌تواند صلح را تقویت کند؟

به‌علت سود بالقوه اقتصادی برای کلیه کشورهای درگیر، تغییر در گفتمان سیاسی منطقه‌ای ضروری است. این طرح به‌عنوان یک عامل تسریع کننده در راستای ارتقا همکاری و میانجیگری منطقه‌ای، در سطوح دوجانبه مورد نظر بوده است. برای پاکستان خطلوله به‌عنوان مشارکت با هند در نظر گرفته نمی‌شود بلکه عمدتاً "طرحی است برای رابطه دوجانبه ایران و پاکستان که در این بین از طریق مشارکت با ایران، هند هم درگیر می‌شود." (زهر ۲۰۰۰). بنابراین دولت پاکستان طرح خطلوله را به‌عنوان همکاری منطقه‌ای با ایران در نظر می‌گیرد نه با هند.

با توجه به اینکه پاکستان از لحاظ تاریخی با جنوب آسیا و ایران با خاورمیانه و منطقه آسیای میانه شناخته می‌شوند پیشبرد همکاری اقتصادی پاکستان با ایران به‌عنوان نمونه‌ای از همکاری منطقه‌ای دلالت بر تغییر جغرافیای سیاسی در هویت منطقه‌ای ایران و پاکستان دارد این تغییر نشان می‌دهد که پاکستان

از نظر سیاسی و اقتصادی با آسیای میانه و خاورمیانه بیشتر همبستگی دارد تا با جنوب آسیا. شاید پاکستان تلاش دارد فاصله‌اش را از نقشی که در منطقه جنوب آسیا دارد بیشتر کند. مشخصه مهم این نقش، رابطه خصمانه‌ای است که پاکستان با کشور بسیار بزرگتر هند دارد. به‌علاوه، حضور موفق هند در زمینه تجارت و سیاست‌های اقتصادی، اکثر کشورهای دیگر جنوب آسیا را به سمت خارج از منطقه برای همکاری اقتصادی بیشتر سوق داده است.

در این مورد، همکاری اقتصادی به‌صورت غیر مستقیم، دانه‌های تغییر در سیاست‌ها و آینده منطقه را می‌افشاند. با همکاری اقتصادی بیشتر بین ایران و پاکستان مناظرات قبلی دو کشور بر سر مساله افغانستان به اهداف سیاسی مشترک تبدیل و به‌طریق دیگری کنترل می‌شود. از طرف دیگر ایران و پاکستان تصمیم گرفتند که به‌جای جانب‌داری در تعارضات افغانستان اجازه دهند وقایع عینی (اساسی) روند وضعیت در افغانستان را تعیین کند (زهر ۲۰۰۰). پروژه خطلوله نمونه‌ای است از جهانی‌سازی و یکپارچگی اقتصادی که وضعیت سیاست‌های منطقه‌ای و در واقع یک منطقه را تغییر می‌دهد.

وجود ۹۰۹ کیلومتر مرز مشترک بین ایران و پاکستان، لزوم روابط همکاری و سیاست خارجی که نفع هر دو کشور را، از طریق روابط تجاری رو به‌افزایش، داشته باشد کاملاً توجیه می‌کند. پاکستان علاوه بر هویت منطقه‌ای با ایران، می‌تواند از طریق تقویت مفهوم امت که یک مفهوم و هویت فرامرزی است و مرزهای ملی را نمی‌شناسد، بیشتر به منطقه‌گرایی روی آورد. با این کار، پاکستان قادر خواهد بود که بحث سیاسی منطقه‌ای سازی را به یک حرکت مذهبی و گروهی تغییر دهد و عنوان کند که ایرانی‌ها و پاکستانی‌ها باید با هم در زمینه اقتصادی همکاری کنند چرا که آنها از لحاظ معنوی و مذهبی متحد هستند. به‌علاوه این مساله می‌تواند به تقویت هویت مستقل پاکستان در منطقه و جانی این کشور از هند، که هر دو سکولار و عمدتاً هندو هستند، کمک کند. همکاری اقتصادی بین ایران و پاکستان عملاً نمی‌تواند حضور و نقش پاکستان را در جنوب آسیا به‌طور کامل از بین ببرد. اما به‌ر حال این مساله تلاش عظیمی در بازسازی و تقویت روابط داخل منطقه را نشان می‌دهد. گرچه این تلاش در روابط بین ایران و پاکستان لازم است، اهمیت آن در روابط هند و پاکستان بسیار ضروری‌تر است. روابط بین پاکستان و هند سیاست‌های جنوب آسیا را تحت تأثیر قرار داده است. از مشخصه‌های این رابطه بی‌اعتمادی‌های سیاسی، مشاجره بر سر زمین و منازعات قومی است. این دو کشور، در ۵۲ سال گذشته سه بار درگیر جنگ شده‌اند.

پاکستان و سایر کشورهای جنوب آسیایی، به‌علت نقش هند به‌عنوان برترین کشور منطقه از نظر اقتصادی و جغرافیایی، از همکاری‌های اقتصادی این کشور اجتناب می‌کنند. پاکستان و کشورهای دیگر منطقه، به‌همکاری با هند تنها به‌عنوان تقویت تسلط و نفوذ اقتصادی این کشور، از طریق تامین یک بازار منطقه‌ای برای هند نگاه می‌کنند. (۱۹۹۶) علاوه بر این روابط اجتماعی-فرهنگی بین هند و پاکستان به‌دلیل خشونت‌های متعدد محلی که بین مسلمانان و هندوها رخ می‌دهد به‌شدت متشنج می‌باشد. یک نمونه این تشنجات تخریب مسجد بایری در ایودیا توسط بنیادگرایان هندی در سال ۱۹۹۲ است این مسجد در زمان تسلط اولین امپراطوری مغول (بابر) در سال ۱۵۲۸ ساخته شد رهبران گروه‌های سیاسی بنیادگرایان هندی و پیروانشان اعتقاد داشتند که رامای خدای هندی در محل مسجد بایری متولد شده است. به‌علاوه اعتقاد داشتند که محل تولد رامای برای ساخت مسجد خراب شده است و برای انتقام جویی این تخریب

(محل تولد رامانا)، بنیادگراها تصمیم می‌گیرند که به احترام رامانا بر روی ویرانه‌های مسجد بابری مجدداً معبدی بنا کنند. اضطراب و تکرار حوادثی از این دست است که به روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هند و پاکستان لطمه وارد می‌کند. با توجه به این رابطه پر تنش که جنبه‌های مختلفی دارد، توافق در طرح خطلوله بین هند و پاکستان یک حادثه تاریخی خواهد بود. تنها توافق دو جانبه موفق دیگر بین این دو کشور در زمینه توزیع ذخایر است که مربوط به معاهده آب ایندوس در سال ۱۹۶۰ می‌باشد. پس از اینکه در سال ۱۹۴۷ دو کشور هند و پاکستان استقلال خود را از استعمار بریتانیا بدست آورد، حوضه رودخانه ایندوس به دو قسمت تقسیم شد در ابتدا "گو ملت نتوانستند که راه حل مسالمت آمیز برای توزیع منابع آب در این حوضه پیدا کنند و تنها سیزده سال بعد، در سال ۱۹۶۰ با کمک بانک جهانی موافقتنامه‌ای در این زمینه امضا کردند. (ناکامایا ۱۹۹۶) برطبق این قرارداد، پاکستان بر آب‌های ایندوس، کابل، جلوم و چناب دسترسی دارد. در حالیکه هند حق استفاده از رودخانه‌های راوی، بیس و سوتلیج را دارا می‌باشد (خان، ۲۰۰۰).

توافق بین هند و پاکستان در پروژه خطلوله یک حادثه تاریخی محسوب می‌شود زیرا مستقیماً بر مناقشات کشمیر، که بزرگترین عامل اختلاف بین دو کشور از زمان استقلال آنها در سال ۱۹۴۷ است، تأثیر می‌گذارد. با وجود اینکه جمعیت کشمیر عمدتاً از مسلمانان تشکیل شده است، جمعیت‌های هند و بودایی را نیز در بر می‌گیرد. برای پاکستان، کشمیر برای حفظ هویت ملی ضروری است. واگذار کردن کنترل کشمیر به هند تصویر تاریخی که پاکستان به عنوان یک کشور کاملاً مسلمان از خود ساخته است را مخوش می‌سازد (رز، ۹۵) از نقطه نظر هند، حفظ و کنترل کشمیر ضروری است چون کشمیر کلید حفظ یکپارچگی شبه قاره می‌باشد، خصوصاً در دورانی که ملی‌گرایی قومی مذهبی در حال افزایش است (رز، ۹۴) مسلمانان، سیک‌ها و مسیحی‌های زیادی در پنج ایالت هند زندگی می‌کنند و تجزیه طلبان سیک نیز در ایالت پنجاب هستند. (رز ۹۴) دولت هند در زمان بررسی اینکه آیا باید به‌آراء عمومی مردم کشمیر توجه کند و اجازه دهد آنها خود ملیتشان را تعیین کنند یا برگزاری مذاکرات دوجانبه‌ای با پاکستان در مورد تملک و یا حق جانشینی بخش‌هایی از کشمیر داشته باشند، باید واقعیت‌های فوق را در نظر داشته باشد.

بخشی از کشمیر که تحت کنترل پاکستان است با نام کشمیر آزاد شناخته می‌شود. پاکستان، آن بخش از کشمیر را که توسط هند کنترل می‌شود، کشمیر اشغال شده می‌نامد. این بخش در هند به جامو و کشمیر معروف است. این دو بخش توسط "خط محدود" از یکدیگر جدا شده‌اند. توجه کنید که پاکستان برای اعمال نظر در مورد اختلاف کشمیر از چه زبانی استفاده کرده است. ناحیه تحت کنترل پاکستان آزاد نامیده شده در حالی که بخش تحت کنترل هند، اشغال شده نام گرفته است. هند به عنوان اشغال کننده در نظر گرفته شده است، کشور خارجی که متجاوز است و سرزمینی متعلق به ملت دیگر را تسخیر نموده است. به هر حال باید دید منظور کدام ملت است. آیا این واژه به حکومت ملت پاکستان بر می‌گردد یا به ملت کشمیر به عنوان ملتی که توسط مرزهای بین هند و پاکستان تعریف شده‌اند مربوط می‌شود؟

در سؤالات مذکور واضح است که گفتمان سیاسی اشغال کشمیر توسط هند به طرح سؤالات بیشتری در زمینه ملت و ملیت منجر شده است. این آب‌هامات، گفتمان اجتماعی بین مردم هند، پاکستان و کشمیر را تحت تأثیر قرار داده است. یک نسل جدید از جوانان هندی و پاکستانی که خوف و وحشت تجزیه اولیه

و مناقشات حاصله بر سر کشمیر را تجربه نکرده‌اند در استفاده از الفاظ برای بیان دشمن هندی یا پاکستانی خیره شده‌اند. از سوی دیگر کشمیری‌هایی که در کشمیر تحت کنترل پاکستان و یا بخش زیر نظر هند زندگی می‌کنند شدیداً از سیاست‌های دو کشور در قبال کشمیر ناراضی هستند و از کشورهای مذکور استقلال داخلی سیاسی بیشتری را طلب می‌کنند.

در موردی مشابه، یک طرح خطلوله پیشنهادی در بازار گاز طبیعی اروپا لقب "خطلوله صلح" به خود گرفت. طرح مزبور طی برنامه‌ای در نظر داشت گاز طبیعی مصر را به صورت مایع (LNG) با کشتی به ترکیه انتقال دهد. قبل از این توافق، قرار بود گاز طبیعی از طریق خاک اسرائیل به ترکیه منتقل شود. به جای توافق بر مسیر زمینی، مصر مسیر (LNG) را انتخاب و موافقت کرد که از ابتدای سال ۲۰۰۰، تا ۳۵۰ میلیارد فوت مکعب گاز به ترکیه منتقل نماید. (اداره اطلاعات انرژی، ۲۰۰۰).

روی آوردن به طرح (LNG) ثابت می‌کند که (LNG) هنوز هم در مناطقی که مسائل سیاسی توسعه خطلوله را محدود می‌کند، از نظر تجاری مناسب‌تر است (اداره اطلاعات انرژی، ۲۰۰۰) این مثال نشان می‌دهد که چگونه توسعه (LNG) ممکن است به عنوان جایگزین برای همکاری بین کشورها و مناطقی که همکاری در آنها برای حل مناقشات سیاسی دشوار است مثمرتر باشد. برای هند هم قطعاً این مورد صادق است. به جای پرداختن به منازعات متطه‌های و مسائل پرتنش با پاکستان، هند گزینه جایگزین را مد نظر قرار داده است. بر این اساس، این کشور از همکاری با پاکستان صرف نظر و خطلوله‌ای را پیشنهاد کرده است که به جای عبور از خاک پاکستان از میان آب بگذرد.

هند و پاکستان هیچ‌وقت در مذاکره بر سر کشمیر موفق نبوده‌اند. در سال‌های اخیر وضع بدین صورت بوده است که یک طرف می‌گوید با دیگری از طریق گفتمان، مذاکره دوجانبه خواهد کرد و طرف دیگر پیشنهاد گفتگو را رد می‌کند و معتقد است که مردم کشمیر باید در فرایند صلح نقش داشته باشند به علاوه احزاب سیاسی کشمیر هم به دنبال نقشی در فرایند صلح هستند و معمولاً موضع خود را مستقل از دو کشور هند و پاکستان عنوان می‌کنند. گفتمان اجتماعی سیاسی غیر دوستانه و عدم وجود راه‌حلی برای مناقشات بین هند و پاکستان در مورد کشمیر با طرح خطلوله به صورت غیر منتظره‌ای مورد چالش قرار خواهد گرفت. این طرح دو کشور را وادار می‌کند تا در مباحثات و وابستگی‌های سیاسی خود تجدید نظر کنند و بخصوص بحران‌های انرژی و احتیاج میرم به منابع گاز طبیعی را مد نظر قرار دهند.

صرف انرژی در هند و پاکستان

هر دو کشور هند و پاکستان بیش از تولید خود مصرف می‌کنند. تولید گاز طبیعی در هر دو کشور نمی‌تواند احتیاجات انرژی و گاز طبیعی را در این کشورها برآورده سازند. تقریباً ۸٪ از مصرف انرژی در هند به گاز طبیعی اختصاص دارد (دداول، ۲۰۰۰) این رقم برای پاکستان ۲۷٪ است (تن جیا، ۱۹۹۹). جدول ۱، منابع تولید و مصرف گاز طبیعی در هند، ایران و پاکستان را نشان می‌دهد. منابع گاز طبیعی ۸۱۲ تریلیون فوت مکعبی ایران و سطح پایین مصرف گاز طبیعی، ایران را یک توزیع کننده بالقوه منابع گاز طبیعی برای هند و پاکستان ساخته است. در حال حاضر میزان تقاضا برای گاز طبیعی در هند تقریباً ۹۶ میلیون مترمکعب روز است و این در حالی است که این کشور تنها ۶۷ میلیون مترمکعب گاز در اختیار دارد. میزان تقاضا در پاکستان نیز از منابع موجود در این کشور

تجاوز می‌کند انتظار می‌رود تقاضای پاکستان برای گاز طبیعی در چند سال آتی، حدوداً با ۵۰٪ رشد تا سال ۲۰۰۶، به‌طور قابل توجهی افزایش یابد. (اداره اطلاعات انرژی ۲۰۰۰). به‌علاوه، تولید ۰/۷ تریلیون فوت مکعب تنها ۲۹٪ تقاضا و نیازهای انرژی پاکستان را برآورده می‌سازد (اژهر، ۲۰۰۰). پاکستان تنها ۲۱/۶ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی دارد که منجر به تولید ۰/۷ تریلیون فوت مکعب می‌شود. این میزان دقیقاً هم سطح مصرف گاز طبیعی در این کشور است. هند هم، با تولید و مصرف ۷۶۱ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی، با همین مشکل مواجه‌است.

جدول شماره ۱- گاز طبیعی برای سه کشور ایران هند و پاکستان (منبع: CIA۲۰۰۰)

کشور	ذخایر گاز طبیعی (فوت مکعب)	تولید گاز طبیعی (فوت مکعب)	مصرف گاز طبیعی (فوت مکعب)
هند	۲۲/۹ تریلیون	۷۶۱ میلیارد	۷۶ میلیارد
ایران	۸۱۲ تریلیون	۱/۹ میلیارد	۱/۸ میلیارد
پاکستان	۲۱/۶ تریلیون	۰/۷ تریلیون	۰/۷ تریلیون

تقریباً ۷۰٪ منابع گاز طبیعی هند در ایالت گوجارات و حوضه بالایی بمبئی قرار دارد. دولت هند از اکتشاف هر چه بیشتر مناطق غنی گاز استقبال می‌کند ولی از تامین تقاضای فزاینده گاز طبیعی و انرژی به‌دلیل هزینه و عوامل صنعتی شدن در آینده نزدیک، ناتوان است. پاکستان هم به‌همین ترتیب تلاش کرد که منابع گاز طبیعی خود را در ایالت جنوبی سند، در یک محل حفاظت از حیوانات وحشی استخراج کند منطقه مذکور، سرزمینی خشک و ناهموار است که در آن نژادهایی در معرض نابودی، حیوانات و جمعیتی حدود یک چهارم میلیون متشکل از مردمی روستایی که حاضر نیستند دست از روش زندگی خود بردارند زندگی می‌کنند.

هنوز هم دولت پاکستان امیدوار است که مناطق گاز طبیعی جدید از بحران آتی انرژی که طبق پیش‌بینی‌های انجام شده تا ۴ سال آینده به‌وقوع می‌پیوندد، جلوگیری کند گرچه، با توجه به وابستگی جمعیت ساکن در مناطق فوق الذکر به محیط زیست آن ناحیه و عدم وجود امکانات صنعتی برای انجام فعالیت‌های بهره‌برداری و استخراج، این امیدها به‌دور از واقعیت هستند.

به دلیل تقاضا برای انرژی در جنوب آسیا، هر دو کشور پاکستان و هند باید در مواضعشان در قبال طرح خطلوله ایران هند تجدیدنظر کنند. کشورهای مذکور باید این طرح را به‌عنوان ظهور یک پارچگی اقتصادی در نظر بگیرند که همکاری اقتصادی می‌تواند آنها را از یک بحران مشترک در آینده نجات دهد. در خصوص جنوب آسیا، این جهانی سازی اقتصادی، نقش مؤثری در شکل و تغییر شکل دادن روابط و سیاست‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند. دولت‌های هند و پاکستان باید بدانند که وضعیت مشترکی دارند تنها با درک این مسأله‌است که روابط و سیاست‌های منطقه‌ای می‌توانند به‌طرز قابل توجهی تغییر کنند.

شهید کاردار وزیر دارایی پنجاب در نوامبر ۲۰۰۰ پس از اعلام اینکه پاکستان ۷۰۴ میلیون دلار در سال گذشته برای سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز جذب کرده است، در مورد جهانی سازی و همکاری منطقه‌ای مطالبی را ابراز نمود. او اظهار داشت که به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی نیاز شدیدی وجود دارد و همچنین در مورد دور کنونی جهانی سازی اقتصادی که بسیاری از

کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند توضیح داد. وی در سخنان خود چنین بیان کرد: ما وقت زیادی در اختیار نداریم، وقت بسیاری از دست رفته‌است. باید وقت را غنیمت بشماریم، در غیر این صورت ما با مخاطرات شدید اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در پیش‌رو داریم در سیستم جهانی به‌حاشیه رانده خواهیم شد در حالی که کاردار مشخصاً به همکاری منطقه‌ای اشاره نمی‌کند، اشاره او به کنار گذاشته شدن کشورهای در حال توسعه یکی از دلایل اصلی برای سهم شدن در طرح‌های منطقه‌ای مانند خطلوله گاز ایران به‌هند می‌باشد. مطمئناً این همان چیزی است که هند ایران و پاکستان هر سه آن را درک خواهند کرد.

هند پیشنهاد انتقال گاز طبیعی به‌صورت مایع به‌گونه‌ای که از مسیر ساحلی در امتداد دریای عرب استفاده شود را مطرح کرده‌است. خطلوله از حوزه نفت پارس جنوبی در خلیج فارس ایران آغاز می‌شود و از دریای عرب به‌فاصله کمی خارج از آب‌های داخلی پاکستان و توسط بندرگاه‌هایی در ساحل غربی هند به‌دهلی می‌رود. پاکستان هر پژوهشی که هند را به‌آب‌های منطقه آزاد تجاریش نزدیک کند رد کرده است. مسأله حائز اهمیت به پیشنهاد انتقال گاز طبیعی مایع از طریق دولت هند مربوط می‌شود. هند در سیاست‌های مربوط به گاز طبیعی، محدودیت‌های مشخصی در زمینه‌های بازرگانی و تجاری اعمال کرده‌است که بین شرکت‌های نفتی خارجی و گاز طبیعی خارجی تبعیض قائل می‌شود. در حالیکه ساخت یک خطلوله زمینی از نظر اقتصادی و استراتژیک گزینه‌ای مناسب و امکان‌پذیر بود، دولت هند مدت‌ها امکان انتقال گاز طبیعی در حالت مایع را توسط حامل‌های LNG مورد بررسی و توجه قرار داد.

در طی سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ LNG به‌یک ذخیره اثبات شده تبدیل شد که از نظر تکنیکی امن و قابل اطمینان بود، درحالی که انتقال توسط خطلوله میسر نبود اقتصادی‌ترین تسهیلات را برای ورود حجم عظیمی از گاز به‌بازارها فراهم می‌ساخت. (مؤسسه تحقیقات انرژی تا ۲۰۰۰) ۱ به‌دلیل بحران انرژی در هند و به‌منظور حفظ و تداوم صنعت کشتیرانی هند، در دهه ۱۹۸۰ رئیس بندرگاه جواهر لعل نهرو، آقای ام بی پینتو، صنعت کشتیرانی هند را برای ورود به‌بخش حمل و نقل نفتی تقویت کرد. LNG (Ibid) در مقایسه با دیگر منابع تولید انرژی، منبئی ارزان و مطمئن بود. در حالی که عمده ذخایر گاز طبیعی توسط خطلوله انتقال داده می‌شود، تجارت LNG به‌دلیل تقاضای گاز طبیعی در بازارهای دور دست رویه‌فزونی گذاشت. درجایی که ساخت خطلوله میسر نباشد، تجارت LNG بسیار قابل اطمینان است چرا که اقتصادی‌ترین تسهیلات را برای انتقال حجم عظیمی از گاز طبیعی به‌بازار فراهم می‌کند. LNG در حال حاضر عمدتاً در حوزه آنلانیتیک و حاشیه اقیانوس آرام معامله می‌شود.

انتقال گاز طبیعی به‌صورت مایع، امکان‌پذیر است ولی پیچیدگی‌های مخصوص به‌خود را دارد که در این‌حالت هزینه مراحل اولیه بیش از مراحل دیگر است و از لحاظ صنعتی نسبت به‌ساخت خطلوله زمینی پیشرفته‌تر می‌باشد. گاز طبیعی به‌صورت گاز، حجیم‌تر از مایع آن است. یک خطلوله فشار قوی تنها می‌تواند در حدود یک پنجم مقدار انرژی را که در یک خطلوله نفتی می‌تواند حمل شود، در روز انتقال دهد با این وجود گاز سریعتر جابجا می‌شود. هنگامی که گاز در دمای -۱۶۰ سرد شده و مایع می‌شود، بسیار فشرده‌تر گشته و ۱/۶۰۰ حجم وضعیت گازی حجم اشغال می‌کند.

مراکز تولید نفتی جدیدی در کشورهایی مانند نیجریه، ترینیداد، عمان، قطر،

جدول شماره ۲- شاخص های اقتصادی

کشور	کمک اقتصادی	بدهی خارجی	نرخ تورم	GDP اسمی	نرخ رشد GDP اسمی	GDP سرانه
هند	۲/۹ میلیارد دلار (۱۹۹۹)	۹۸ میلیارد دلار (۱۹۹۹)	۶/۷٪ (۱۹۹۹)	۱/۸۰۵ تریلیون دلار (۱۹۹۹)	۵/۵٪ (۱۹۹۹)	۱۸۰۰ دلار (۱۹۹۹)
ایران	۱۱۶/۵ میلیون دلار (۱۹۹۵)	۲۱/۹ میلیارد دلار (۱۹۹۶)	۳۰٪ (۱۹۹۹)	۳۳۷/۶ میلیارد دلار (۱۹۹۹)	۱٪ (۱۹۹۹)	۵۳۰۰ دلار (۱۹۹۹)
پاکستان	۲ میلیارد دلار (۱۹۹۸)	۳۲ میلیارد دلار (۱۹۹۹)	۶٪ (۱۹۹۹)	۲۸۲ میلیارد دلار (۱۹۹۹)	۳/۱٪ (۱۹۹۹)	۲۰۰۰ دلار (۱۹۹۹)

که هر دو به انرژی مرتبط هستند. علاوه بر آن کارخانه نیروی دابهل، بزرگترین شرکت تجاری با مالکیت خارجی در هند به شرکت انرون آمریکا پیوسته است. پرواضح است که این تغییرات در سیاست‌های هند نشان دهنده آزادی‌ها و همکاری‌های بزرگ اقتصادی است. با این وجود این کشور در خصوص سیاست‌های آزادسازی اقتصادی آگاهانه عمل می‌کند در مورد واردات گاز طبیعی و انتقال آن چه از طریق خطلوله و چه کشتی‌های حمل کننده (NMD) هند چند راه پیش رو دارد.

- هند باید به منظور تقویت اقتصاد و صنعت کشتیرانی تدابیری بیاندیشد.
- باید مناسب‌ترین راه را برای اکتساب سودهایی از این دست از تجارت جهانی اتخاذ کند.
- بهترین گزینه را برای کسانی که با مشکلات جدی کمبود انرژی در دهه آینده مواجه خواهند بود در نظر بگیرد.
- سیاست‌های سازمان تجارت جهانی در مورد ظرفیت‌های داخلی و شرکت‌های خارجی مستقیماً به تصمیماتی که هند باید اتخاذ کند مرتبط می‌شود.

به دلیل مذاکراتی که بین هند و پاکستان وجود دارد تمرکز در داخل منطقه است

- و مذاکرات در این خصوص به صورت زیر است:
- احداث خطلوله از خاک پاکستان برای انتقال گاز طبیعی به هند
- امکان تسهیم صادرات گاز طبیعی ایران
- مسائل امنیتی در خصوصی قسمت‌هایی از خطلوله در پاکستان
- مذاکرات در این خصوص، مستقیماً بر عملکرد سیاسی اجتماعی منطقه، در جنوب آسیا موثر خواهد بود. به عبارتی تجارت متحمل بین دو دولت قابلیت تغییر دیدگاه‌های فرهنگی منطقه را که شهروندان هندی و پاکستانی از هم دارند داراست. تجارت بین هند و پاکستان، سایر کشورهای جنوب آسیا را به مشارکت در تجارت‌های منطقه‌ای عظیمتر سوق می‌دهد به دلیل قابلیت بالقوه برای همکاری اقتصادی بین ایران، دروازه آسیا به خاورمیانه و هند و پاکستان، قلب جنوب آسیا، تمرکز در منطقه صورت گرفته است. این امر، امور اقتصادی، سیاست‌های خارجی و جغرافیای سیاسی هند ایران و پاکستان را به هم مرتبط می‌سازد. تصمیم‌گیری نهایی در این خصوص مسیر خطلوله گاز طبیعی ایران به هند و نقشی که پاکستان در این تصمیم بازی می‌کند بر پیشبرد مباحثات سیاسی- اجتماعی و تصمیمات سیاسی خارجی، مسائل امنیتی و کشمکش‌های منطقه‌ای مانند مساله افغانستان، کشمیر و درگیری‌های حزبی تأثیر پذیر است.

جدول ۲ اهم شاخص‌های اقتصادی هند ایران و پاکستان را نشان می‌دهد تنها با نگاهی به این شاخص‌ها درمی‌یابیم که هدف هر سه کشور، سود بردن

مالزی و استرالیا در حال ایجاد هستند. با وجودی که مواد اولیه برای تولید LNG ارزان است ولی هزینه‌های مراحل تکمیل و حمل و نقل بالاست که با وجود تقاضای فزاینده LNG پیش‌بینی می‌شود که این هزینه‌ها کاهش یابند. در حال حاضر قراردادهای LNG و تمهیدات جدید نشان دهنده افزایش تجارت جهانی LNG به میزان ۶۰٪ (تا ۱۰۷ میلیون تن) در سال ۲۰۰۰ است (اداره اطلاعات انرژی ۲۰۰۰). تقاضا برای LNG در بازار اروپا روبه‌فزونی است و در سال‌های گذشته کشورهای اسپانیا، بلژیک، فرانسه و ترکیه مقادیر عظیمی بپای خریداری کرد ند دولت در نظر دارد که به دلیل عملکرد ضعیف صنعت کشتیرانی هند، از صنعت بومی (کشتیرانی) حمایت کند و فرسودگی در بازگویی کشتی‌های بومی را به حداقل برساند در این راستا از شرکت‌های کشتیرانی بومی خواست که از حامل‌های LNG استفاده کنند. ولی درخواست از شرکت‌های هندی برای استفاده از حامل‌های LNG موفقیت‌آمیز نبود چرا که شرکت‌های هندی تجربه و سرمایه لازم را در زمینه کنترل و اداره LNG نداشتند. اواسط سال ۱۹۹۹ سیاست جدیدی در خصوص کشتیرانی، برای حمل LNG شکل گرفت که به موجب آن دولت پیشنهاد کرد شرکت‌های LNG خارجی، باید دارای شریک هندی باشند. به عبارتی مشارکت‌های هندی برای حمل و نقل LNG به داخل کشور وجود داشته باشد. هدف از این طرح مداخله شرکت‌های هندی در کشتیرانی LNG کسب حمایت‌های مالی و تکنیکی از شرکت‌های خارجی بود. در حال حاضر پیمان‌های هند دو معامله LNG با پتروننت LNG دارد و در حال ساخت دو پایانه وارداتی LNG در داهیج واقع در گوجارات و کوچی در کرالا می‌باشد (۱۳ می، express India) موافقتنامه سازمان تجارت جهانی در مورد میزان سرمایه‌گذاری تجاری (TRIM) مشخص می‌کند که میزانی که هر عضو بکار می‌برد نباید به حدی باشد که باعث ایجاد تبعیض علیه کشورهای خارجی یا محصولات خارجی شود این موافقتنامه به سطوح مشخصی از فروش محلی که به سرمایه‌گذاری نیاز دارد نیز اشاره می‌کند. (Jcgb) قوانین این توافقنامه هند را در چارچوب اعمال سیستم حمایت از تولیدات داخلی قرار می‌دهد. تلاش هند برای کمک به صنعت داخلی LNG، تنها یکی از تلاش‌های این کشور، برای محدود کردن مالکیت و رقابت خارجی است.

در حالی که سیاست‌های حمایتی از تولیدات داخلی هند در تجارت جهانی مشخص شده‌اند، توافقات اخیر با ایالات متحده و تغییراتی در سیاست‌های حاکم، هند را به سوی اتحاد و یکپارچگی بیشتر و چارچوب تجاری خارجی دوستانه‌تر پیش می‌برد. در این راستا محدودیت‌های اعمال شده بر مالکیت خارجی کاهش یافته و تعرفه‌های کالاها و وارداتی حتی در خصوص تجهیزات پروژه‌های عظیم انرژی و نیرو کاهش یافته است. (اداره اطلاعات انرژی)

علاوه بر آن ایالات متحده و هند برای مرتفع ساختن ۱۴۰۰ مانع برای صادرات فزاینده آمریکا به هند، در ژانویه ۲۰۰۰ به توافقاتی دست یافتند. (Ibid) دو بخش از بزرگترین بخش‌های صادراتی هند و آمریکا، تجهیزات نفت و گاز است

جدول شماره ۳- آمارهای گاز طبیعی - عمومی		
تولیدکنندگان	میلیون متر مکعب	درصد از کل جهان
روسیه	۵۹۰۹۸۵	۲۴/۸
ایالات متحده	۵۳۸۶۹۸	۲۲/۶
کانادا	۱۷۲۸۸۹	۷/۳
بریتانیا	۹۵۶۱۴	۴/۰
هلند	۸۰۴۲۶	۳/۴
الجزایر	۷۲۳۱۷	۳/۰
اندونزی	۶۸۱۴۲	۲/۹
ازبکستان	۵۲۱۵۰	۲/۲
ایران	۴۸۳۰۰	۲/۰
نروژ	۴۷۵۹۸	۲/۰
سایر نقاط جهان	۶۱۱۴۲۶	۲۵/۷
جهان	۲۳۷۸۵۵۵	۱۰۰/۰

منبع: آژانس بین المللی انرژی ۱۹۹۹

نفت‌خام ایران سرمایه‌گذاری کرده بودند، مجازات می‌شدند. اگر این شرکت‌ها تحریم‌ها را زیر پا می‌گذاشتند، ایالات متحده می‌تواند "دو تحریم از هفت تحریم ممکن را بر ضد این شرکت‌ها اعمال کند" هفت تحریم مذکور عبارتند از: رد کردن مجوزهای صادراتی، کمک‌های بانکی، وام‌ها، اعتبارات و تذاکرات شرکت‌های نقض‌کننده این تحریم‌ها. این تحریم‌ها اوضاع نامساعدی را به‌طور جدی برای بسیاری از شرکت‌های نفتی آمریکایی و بین‌المللی که مایل به داشتن حضوری فعال در توسعه ذخایر گاز طبیعی در ایران هستند، ایجاد می‌کند.

تحریم‌های هند و پاکستان ۱۹۹۸

در پی آزمایشات هسته‌ای ماه مه ۱۹۹۸، تحریم‌های بسیاری بر هند اعمال شد به‌علاوه در همین زمان، به‌غیر از محدودیت‌هایی که از سال ۱۹۹۰ برای دریافت کمک‌های مالی برای پاکستان ایجاد شده بود، تحریم‌های جدید دیگری نیز بر این کشور اعمال گردید. برای هر دو کشور هندوپاکستان، اعتبارات و ضمانت‌هایی مانند بیمه NQH و سرمایه‌گذاری‌های بانک صادرات و واردات دولت آمریکا معلق ماند علاوه بر این، ایالات متحده با وام‌های کمکی بیشتر از طرف بانک جهانی و صندوق بین‌الملل پول به دو کشور مخالفت نمود. (اداره اطلاعات انرژی). وضعیت این نوع تحریم‌های خاص در اکتبر ۱۹۹۸ معلق ماند و در ۱۹۹۹ نیز تحریم‌های دیگری چون وام بانک‌های ایالات متحده به‌دولت هند لغو شد. برای هند یک برنامه مربوط به‌گاز گلخانه‌ای به‌اعتبار ۶ میلیون دلار به‌تمویق افتاد. به‌علاوه یک کمک ۲۱ میلیون دلاری در زمینه توسعه اقتصادی و مجوز تضمین ساخت وسازهای مسکونی نیز مسکوت ماند (وزارت امور خارجه ایالات متحده).

ایالات متحده همچنین پروانه فروش تجاری هر یک از اقلام در فهرست مهمات آمریکا و قراردادهای تحویل لوازم و خدمات دفاعی که در گذشته منعقد شده بود را لغو نمود. در مورد پاکستان، تحریم‌های بعد از آزمایشات هسته‌ای، به‌تنش‌های زیادی که قبلاً به‌دلیل اعمال تحریم‌های قانون متمم پرسلر در سال ۱۹۹۰ ایجاد شده بود، افزود. این قانون متمم، ادامه فروش تسلیحات نظامی و ارائه کمک به‌پاکستان را مشروط به‌دو مورد زیر کرده بود:

از تلاشی گروهی در توسعه پروژه خطلوله می‌باشد. ایران بیشترین نرخ تورم (۳۰٪) و پایینترین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) را بین سه کشور دارد. این کشور با تنوع به‌میزان ۳۳۷/۶ میلیارد دلار بعد از هند، رتبه دوم را دارد. پیشبرد خطلوله و پروژه‌های مشابه آن توسط دولت ایران به‌افزایش نرخ رشد GDP و نرخ اسمی FEP کمک می‌کند. بکارگیری منابع و کارگر داخلی در این پروژه‌ها به‌افزایش این شاخص‌های اقتصادی کمک می‌کند. از سوی دیگر هند و پاکستان نیز می‌توانند به‌واسطه پروژه خطلوله برای کارگران ماهر و غیرماهر اشتغال ایجاد کنند. حائز اهمیت است که هند و پاکستان کمک‌های اقتصادی کمتری نسبت به‌ایران دریافت می‌کنند.

جدول ۳ تولیدکنندگان جهانی گاز طبیعی را نشان می‌دهد. در حالی که روسیه، ایالات متحده و کانادا همچنان در صدر جدول تولید گاز طبیعی در جهان هستند، ایران بزودی و در طی سال‌های آتی به‌دلیل ذخایر عظیم تریلیون فوت مکعبی خود به‌عنوان یک تولیدکننده عمده ظهور خواهد کرد. به‌هر حال ایران، هنوز باید این ذخایر را تقویت کرده و پروژه‌های خطلوله خود را تکمیل نماید. تنها رقیب منطقه‌ای که ایران در این لیست دارد، ازبکستان، در شمال شرقی این کشور است که با تولید ۵۲۱۵۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی در مقابل ایران با ۴۸۳۰۰ میلیون مترمکعب قرار دارد.

تحریم‌های تجاری

تحریم‌هایی که از جانب ایالات متحده بر ایران، هند و پاکستان اعمال شده است، مستقیماً تجارت بین‌المللی و منطقه‌ای این سه کشور را تحت تأثیر قرار داده‌است. هدف از این تحریم‌ها، اثرگذاری بر فعالیت‌های این سه کشور در زمینه تروریسم و آزمایشات هسته‌ای می‌باشد. علاوه بر این تحریم‌ها، هند نیز سیاست‌های حمایتی از تولیدات داخلی و سیاست‌های جایگزین واردات را در پیش گرفته که محدودیت‌های زیادی را برای سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور به‌دنبال داشته‌است.

تحریم‌های اعمال شده بر ایران و لیبی ۱۹۹۶

تحریم‌های ایران لیبی در ۱۹۹۶ به‌دلیل ناراضی‌تای ایالات متحده در خصوص حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی صورت گرفت. این تحریم‌ها به‌طور قانونی در ۱۹۸۴ و پس از این که ایران رسماً در فهرست حامیان سیاسی تروریسم بین‌المللی قرار گرفت، اعمال شدند (وزارت امور خارجه ایالات متحده). در این راستا نه تنها فروش سلاح‌های جنگی به‌ایران ممنوع شد بلکه پرداخت کمک‌ها و وام‌های مؤسسات مالی بین‌المللی نیز به‌این کشور ممنوع گشت. در سال ۱۹۹۷ بر طبق یک دستورالعمل اجرایی، واردات کالا و خدمات از ایران ممنوع شد. تحریم‌های ۱۹۹۷ مجدداً ممنوعیت شهروندان آمریکایی را از شرکت در هرگونه فعالیت تجاری و سرمایه‌گذاری در ایران تصریح کرد. (اداره اطلاعات انرژی، ۲۰۰۰) این عمل در ابتدا به‌دنبال تلاش‌های ایران برای مختل کردن جریان نفت از خلیج فارس از طریق حملات موشکی و استفاده از مین‌های دریایی، صورت گرفت.

در ۱۹۹۵ تحریم‌های جامع‌تر و از لحاظ مالی محدودکننده‌تری اعمال شدند. این اقدامات تمام معاملات تجاری و مالی را با ایران محدود می‌کرد. جزئیات تحریم‌های سال ۱۹۹۵ به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران مربوط می‌شود. براساس این مصوبه، شرکت‌های خارجی، که بیش از ۴۰ میلیون دلار، برای توسعه مخازن

جدول شماره ۴- آمار معاملات ایران

صادرات	طرفهای تجاری برای صادرات	محصولات صادراتی	واردات	طرفهای تجاری برای واردات	محصولات وارداتی
۱۲/۲ میلیارد دلار (۱۹۹۸)	ژاپن ایتالیا یونان فرانسه اسپانیا کره جنوبی	مواد نفتی ۸۰٪ فرش میوه خشکیار پوست آهن و فولاد	۱۳/۸ میلیارد دلار (۱۹۹۸)	آلمان ایتالیا ژاپن امارات متحده عربی بریتانیا بلژیک	ماشین آلات ملزومات نظامی لوازم فلزی محصولات غذایی تولیدات دارویی خدماتی فنی محصولات نفتی تصفیه شده

منبع: اداره مرکزی اطلاعات آمریکا (CIA ۲۰۰۰)

چین ساحلی در این خصوص وجود دارد. ایران و ترکیه در سال ۱۹۹۶ قراردادی ۲۰ میلیارد دلاری برای صادرات گاز طبیعی ایران به ترکیه به مدت ۲۲ سال امضا کردند (همان منبع).

جدول ۴ وضعیت آماری صادرات و واردات ایران را نشان می‌دهد. آمار ۸۰ درصدی صادرات محصولات نفتی اهمیت خاصی در پروژه خطلوله ایران به‌هنگام دارد. ایران کشوری است که از صادرات محصولات نفتی منفعت برده‌است در صورتی که شرایط قانونی و سیاسی اجازه اجرا پروژه خطلوله را بدهد. این روند در مورد گاز طبیعی نیز دنبال می‌شود. به‌علاوه، هزینه واردات ایران بالغ بر ۱۳/۸ میلیارد دلار است که میزان آن بیش از صادرات ۱۲/۲ میلیارد دلاری این کشور می‌شود. این آمار قطعاً با تکمیل پروژه‌های خطلوله زیادی که در مراحل مختلف توسعه هستند، تغییر خواهد کرد.

تولید گاز طبیعی در ایران

طی سال‌های ۱۹۹۸-۹۹، هند روزانه در حدود ۷۵ میلیون مترمکعب استاندارد، گاز طبیعی تولید کرده‌است. بیشترین میزان تولید گاز در این کشور، در مناطق غربی سواحل دریایی هند صورت پذیرفته‌است (اداره اطلاعات انرژی). در حدود ۶۰ میلیون مترمکعب استاندارد آن به ایالات مختلف کشور فروخته شده‌است. با وجود افزایش مصرف گاز طبیعی در هند در سال‌های اخیر، ذخایر آن شدیداً محدود است و عرضه گاز داخلی نمی‌تواند همپای تقاضا برای این محصول پیش رود (اداره اطلاعات انرژی). براساس پیش‌بینی سال ۱۹۹۲، انتظار می‌رود که تولید گاز در این کشور به‌طور متوسط در سطح ۸۵ میلیون مترمکعب استاندارد باقی بماند. در حالی که تقاضا در سطح ۲۶۰ میلیون مترمکعب استاندارد قرار دارد. به همین دلیل این کشور باید با وارد کردن گاز از طریق خطلوله یا کشتی و حمل گاز طبیعی مایع شده (LNG) نیاز خود را مرتفع سازد، که در اینصورت این کشور یکی از بزرگترین واردکنندگان گاز محسوب خواهد شد (همان منبع). به‌جز پروژه خطلوله ایران، هند، امکان واردات گاز از بنگلادش و میانمار نیز وجود دارد. هند در سال ۱۹۹۴ با عمان نیز موافقتنامه‌ای را امضا کرد که به‌موجب آن طی ده سال، ۵۶/۶ میلیون مترمکعب استاندارد گاز طبیعی وارد کنند.

جدول ۵ آمارهای واردات و صادرات هند را نشان می‌دهد. اقتصاد هند عمدتاً بر صنایع نساجی استوار است که در این راستا کالاهای چرمی و منسوجات بسیاری را صادر می‌کند. منابع و ذخایر طبیعی مانند نفت خام و محصولات نفتی در این کشور محدود است و عمده واردات آن را تشکیل می‌دهد. عمده‌ترین منبع مصرف انرژی داخلی هند را ذخایر طبیعی تشکیل می‌دهد. حائز توجه‌است که علی‌رغم

۱- پاکستان فاقد هر گونه سلاح انفجاری هسته‌ای باشد
۲- کمک‌های جدید خطر بهره‌مندی پاکستان از این ادوات را کاهش دهد (ریشه‌های قانون متمم پرسلر). با جمع‌آوری مدارک بیشتر در مورد افزایش توانایی‌های هسته‌ای پاکستان، توسط آمریکا، تحریم‌ها در قالب این اصلاحیه در ۱۹۹۰ اعمال شدند.

جزئیات این تحریم‌ها علیه هند و پاکستان شامل مسائل دوجانبه و منطقه‌ای عمده‌ای می‌شوند که به سیاست‌های داخلی و امنیتی مرتبط است. براساس اظهارات ایالات متحده این تحریم‌ها به‌منظور حداقل رساندن صدمات به منافع دیگر آمریکا در منطقه اعمال شده‌اند (وزارت امور خارجه ایالات متحده). این تحریم‌ها عمیقاً شرایط اقتصادی دو کشور را متأثر ساخته است. تحریم‌های مذکور همچنان به قوت خود باقی هستند و پیشرفت پروژه خطلوله را مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌دهند. شرکت‌های نفتی آمریکایی و بین‌المللی تمایل زیادی به همکاری با هند و ایران و پاکستان دارند و دولت آمریکا به‌جای حذف این تحریم‌ها، شرکت‌های آمریکایی و بین‌المللی را به‌ساختن خطلوله از مسیرهای به‌جز ایران تشویق می‌کند. این امر باعث تقویت شدید توسعه و ساخت خطوط لوله در آسیای مرکزی شده است.

واردکنندگان و صادرکنندگان

تولید گاز طبیعی در ایران

ایران به‌عنوان دومین تولیدکننده گاز طبیعی در جهان (۱۵ درصد)، دارای ظرفیتی بالغ بر ۸۱۲ تریلیون فوت مکعب ذخیره اثبات شده گاز طبیعی است. (اداره اطلاعات انرژی). این کشور از سال ۱۹۹۰، برنامه بهره‌برداری مستمری را اجرا کرده‌است که هدف از طراحی آن، بالا بردن تولید گاز طبیعی تا ۱۰ تریلیون فوت مکعب در سال تا سال ۲۰۱۰ می‌باشد که البته این امر افزایش صادرات گاز به‌خارج از کشور را در پی خواهد داشت. ایران در سال ۱۹۹۶ حدود ۲/۶ تریلیون فوت مکعب گاز تولید کرد که ۱/۳ آن را به‌بازار عرضه نمود و در ۱۹۹۸ در حدود ۱/۹ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی تولید کرده‌است. (اداره اطلاعات انرژی). در حالی که پارس جنوبی بزرگترین حوزه گازی ایران، بیشترین مقدار گاز طبیعی استخراج شده را در بر دارد، حوزه‌های آغار و دالان هر کدام حدود ۶۰۰ میلیون فوت مکعب در روز تولید دارند. به‌طور کلی نفت و مواد نفتی ۸۰ درصد کالاهای صادراتی ایران را تشکیل می‌دهند (اداره مرکزی اطلاعات آمریکا). بازار صادرات گاز طبیعی برای ایران چشم‌انداز روشنی دارد. امکان معامله با کشورهای مختلف از جمله ترکیه، اروپا، هند، پاکستان، کره جنوبی و تایوان و

جدول شماره ۴- آمار معاملات هند

صادرات	طرفهای تجاری برای صادرات	محصولات صادراتی	واردات	طرفهای تجاری برای واردات	محصولات وارداتی
۳۶/۳ میلیارد دلار (۱۹۹۹)	آمریکا ۲۱٪ بریتانیا ۶٪ آلمان ۶٪ هنگ کنگ ۵٪ ژاپن ۵٪ (۱۹۹۸) امارات متحده ۴٪	منسوجات سنگهای قیمتی و جواهرات ملزومات مهندسی فرآورده های شیمیایی محصولات چرمی	۵۰/۲ میلیارد دلار (۱۹۹۹)	ایالات متحده ۱۰٪ بلژیک ۷٪ بریتانیا ۶٪ آلمان ۶٪ عربستان سعودی ۶٪ ژاپن ۶٪ (۱۹۹۸)	نفت خام و محصولات نفتی ماشین آلات سنگهای قیمتی کود فرآورده های شیمیایی

منبع: اداره مرکزی اطلاعات آمریکا (CIA ۲۰۰۰)

تحریمهای اعمال شده از سال ۱۹۹۸ بر هند تا قبل از این تاریخ، ایالات متحده طرف تجاری عمده واردات و صادرات این کشور بوده است.

تجارت گاز طبیعی در آسیای جنوب شرقی

در سالهای اخیر تغییراتی در میزان تقاضای گاز طبیعی در بازارهای جهانی بوجود آمده است. انتظار می رود تنها در آسیا، تقاضا برای گاز طبیعی، ۶۵۰ میلیون تن معادل نفت در سال ۱۹۹۴ به میلیون تن معادل نفت در سال ۲۰۱۰ برسد. این میزان نشان دهنده نرخ رشدی معادل ۴/۹ درصد در سال می باشد (بانک جهانی). تقاضا برای واردات گاز منحصراً در جنوب آسیا ۸/۸ درصد بوده است و انتظار می رود که در سال ۲۰۰۵ این میزان به ۳/۲۸ درصد و در سال ۲۰۱۰ به ۵۴/۹ درصد برسد. با افزایش تقاضا در آسیا و با وجود ۳۲ درصد (۴۵۰۰۰ میلیارد مترمکعب) ذخایر گاز طبیعی در خاورمیانه، توان بالقوه تجارت بین دو منطقه زیاد می باشد. از طرفی فقدان ذخایر گاز طبیعی مناسب در آسیا، تجارت با خاورمیانه را امری حیاتی می سازد.

در نهایت باید گفت که مقادیر قابل استخراج ذخایر گاز در آسیا و خاورمیانه اساس تجارت عظیمی را در درون هر منطقه و بین مناطق فراهم می کند. (بانک جهانی، ۲۰۰۰). افزایش تقاضای گاز طبیعی به قابلیت های کلی آن چون، بازده، فراوانی و تمیز بودن نوع سوخت مربوط می شود. بخش نیرو این توان بالقوه را دارد که به عنوان بزرگترین مصرف کننده گاز طبیعی در بازارهای جهانی گاز خصوصاً در جنوب آسیا مطرح شود. براساس گزارش بانک جهانی تحت عنوان "تجارت گاز طبیعی در آسیا و خاورمیانه"، بهره برداری از گاز طبیعی در تولید نیرو، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر محیط زیست سودمند خواهد بود. در مقایسه با استفاده از سوخت نفت و ذغال سنگ، گاز طبیعی منافع اقتصادی زیر را دارا می باشد:

- ۱- حداقل هزینه سرمایه بر توان ظرفیت تولیدی:
- نیروگاه گاز طبیعی: ۶۵۰ دلار بر هر کیلو وات (KW)
- نیروگاه سوخت ذغال سنگ: ۱۳۰۰ دلار برای هر کیلو وات (KW)
- نیروگاه سوخت نفت سیاه: ۱۰۰۰ دلار برای هر کیلو وات (KW)
- ۲- بازده حرارتی بیشتر
- نیروگاه گاز طبیعی: ۴۵-۵۰ درصد
- نیروگاه سوخت ذغال سنگ: ۳۰-۳۵ درصد
- نیروگاه سوخت نفت سیاه: ۳۰-۳۵ درصد
- ۳- زمان ساخت کوتاه تر:
- نیروگاه گاز طبیعی: ۲-۳ سال

- نیروگاه سوخت ذغال سنگ: ۵ سال
- نیروگاه سوخت نفت سیاه: ۴ سال

چالش های اقتصادی در تجارت گاز طبیعی شامل مکان یابی سرمایه گذاری مستقیم و برقرار کردن امنیت برای تنظیمات مالی به منظور ساخت خطلوله می باشد. براساس گزارش بانک جهانی، برقراری امنیت برای امور مالی در آسیا نباید مشکل باشد، چالش های اصلی در این میان به محل و فصل مناقشات تجاری و سیاسی مربوط می شود. این دقیقاً مساله ای است که در مورد خطلوله ایران به هند وجود دارد. در حالیکه شرکت های نفتی بسیاری خواهان ساخت و سرمایه گذاری در خطلوله هستند، مناقشات تجاری و سیاسی مانند تحریم ها و سیاست های منطقه ای چالش های عظیمی را می طلبند.

اصلی ترین منفعت استفاده از گاز طبیعی، جایگزینی ذغال سنگ با کربن بالا با گاز طبیعی با کربن پایین است، که باعث کاهش دی اکسید کربن حاصله می گردد. از آنجایی که دی اکسید کربن یکی از منابع اصلی افزایش دمای زمین می باشد، این مساله (تبدیل کربن بالا به پایین) باعث کاهش گرما می شود (بانک جهانی). این واقعیت محیط زیستی، هند را مستقیماً تحت تأثیر قرار می دهد چون ۷۰/۳ درصد سوخت اصلی برای تولید نیرو در هند، ذغال سنگ می باشد. این وابستگی زیاد به ذغال سنگ تأثیرات نامساعد محیطی را در هند موجب می شود.

با در نظر گرفتن وابستگی شدید هند به ذغال سنگ و تأثیرات نامساعد محیطی این سوخت، لزوم تجارت گاز طبیعی در منطقه پر اهمیت تر می شود. به علاوه، ارزیابی گاز طبیعی به عنوان یک سوخت تمیز و دیگر موضوعات مربوط به محیط زیست نیز حائز اهمیت است. در این راستا هند و ایالات متحده در ایجاد همکاری بیشتر در این خصوص مذاکراتی داشته اند. هند و ایالات متحده در مارس سال ۲۰۰۰، یادداشتی را به عنوان "بیانیه مشترک ایالات متحده و هند در مورد همکاری های انرژی و محیط زیست" امضا کردند. این بیانیه، مستقیماً به مسائلی چون افزایش دمای زمین، منابع انرژی قابل تجدید و بخش نیرو می پرداخت. بیانیه مذکور به مواردی که در این مقاله آمده است اشاره می کند، به این معنی که هند باید برنامه عملیات محیط زیستی و انرژی خود را بازنگری کند. این بیانیه بر پیشرفت همکاری چند جانبه بین هند و ایالات متحده در زمینه های زیر تأکید دارد:

- موضوعات مربوط به تغییر آب و هوا
- کاهش تولید گازهای گلخانه ای
- تعیین، آغاز و کنترل "پروژه های همکاری های خصوصی و دولتی در تحقیقات، پیشرفت، واگذاری و انتقال و توجیه و استقرار تکنولوژی های مناسب

و بازرگاری در سیاست‌های مربوط به انرژی تمیز، انرژی قابل تجدید، کارایی انرژی و بازسازی بخش نیرو (بانک جهانی، ۲۰۰۰). علاوه بر موارد فوق، دو کشور در زمینه توسعه تجاری و همکاری در موضوعات مربوط به انرژی تمیز نیز به توافق‌هایی دست یافته‌اند.

با توجه به مفاد این بیانیه، این امکان وجود دارد که ایالات متحده از هرگونه معامله مخاطره‌آمیز بالقوه‌ای که مربوط به وارد کردن گاز طبیعی از طریق خطلوله به هند می‌شود حمایت کند. با این حال تحریم‌های ایران لیبی در ۱۹۹۶ (نگاه کنید به تأثیر تحریم‌های تجاری اعمال شده)، که شرکت‌های خارجی را از سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار برای پیشرفت ذخایر نفتی ایران محدود می‌کند و نیز خرید تجهیزات نفتی از ایران را منع می‌نماید، از جانب آمریکا مانع پیشبرد و تقویت خطلوله ایران و هند می‌شود. نتیجه غیرقابل اجتناب این مساله، تداخل سیاست‌های خارجی آمریکا، ابتکار عمل‌های دورن منطقه‌ای ایران و هند می‌باشد. علی‌رغم اینکه ایالات متحده خواهان ترویج مسائل تجاری و محیط‌زیستی با هند است، کماکان در جداسازی ایران از جامعه بین‌المللی پافشاری می‌کند. فعالیت‌هایی که برای ارتقاء توسعه محیط‌زیست و انرژی پاک، بین هند و ایالات متحده در جریان است، با سیاست خارجی بین ایالات متحده و ایران در تناقض است. این وضعیت به‌خوبی ارتباط بین محیط، تجارت و سیاست خارجی را نشان می‌دهد. جالب توجه اینکه صنعت انرژی هند به‌ذخایر گاز طبیعی صادر شده از ایران شدیداً نیازمند است. بنابراین، خطلوله گاز طبیعی ایران به‌هند موارد ضمنی و پیچیدگی‌های بسیاری برای تحولات سیاسی خارجی و منطقه‌ای دارد.

منافع استفاده از گاز طبیعی در بخش صنعت پاکستان همانقدر سودآور است که برای هند. تقریباً نیمی (۴۹ درصد) از مصرف انرژی پاکستان، مصرف مسکونی است و بخش صنعت با حداکثر ۲۳/۵ درصد در مرحله بعد قرار گرفته است. نفت ۴۳/۵ درصد از مصرف انرژی و گاز طبیعی ۳۸/۳ درصد آن را تامین می‌کند. نیروی برق آبی، منبع اصلی انرژی قابل تجدید برای استفاده داخلی است. این منبع ۴۰ درصد تولید برق کشور را تامین می‌کند. بیشتر این نیروی برق آبی در شمال پاکستان تولید می‌شود. مشکلات دسترسی و هزینه‌های بالای انتقال به‌جنوب که جمعیت زیادی را در خود جاداده است، توسعه این توان بالقوه را به‌چشم‌اندازی دور از دسترس تبدیل کرده‌است (اداره اطلاعات انرژی، ۲۰۰۰).

در حالی که هند بهره‌برداری بسیار زیادی از ذخایر ذغال سنگ دارد، پاکستان دارای ذخایر ذغال کمتری است و این امر، برخلاف هند، میزان کربن را در کشور پایین نگه می‌دارد. با این وجود به‌علت دود متصاعد شده از وسایل نقلیه سطح کربن در کشور بالا است. در سال ۱۹۹۸، غلظت کربن در پاکستان ۰/۴۷ تن متریک بر هزار دلار ۱۹۹۰ بوده‌است. که این میزان را می‌توان با ۰/۵۷ در هند و ۰/۲۱ در ایالات متحده مقایسه کرد. به‌جز میزان انتشار کربن، عوامل دیگری به‌وخامت اوضاع محیطی پاکستان می‌افزایند. نابودی جنگل‌ها، هز آب‌های صنعتی، دود ناشی از کارخانجات و وسایل نقلیه، تأثیرات مخربی بر محیط وارد می‌کنند. طی دو دهه گذشته، دولت برای حل این موضوعات مقررات و معاهده‌هایی را ارائه کرده‌است. قانون سال ۱۹۸۳ حفاظت از محیط‌زیست پاکستان، سه هدف اصلی را برای حفاظت از محیط‌زیست مدنظر قرار داده‌است این سه هدف عبارتند از:

- ارتقا توسعه پایدار

- بهبود کارایی مدیریت و استفاده از ذخایر

- حفظ و نگهداری از ذخایر طبیعی

زیر مجموعه‌های این اهداف عبارتند از:

- بهبود کارایی انرژی

- بکارگیری / گسترش ذخایر قابل تجدید

- مدیریت زباله شهری

- جلوگیری / کاهش آلودگی

- یکپارچه سازی برنامه‌های جمعیتی و محیط‌زیستی

- حمایت بنیادی از ذخایر مشترک

این موضوعات، در رابطه با خطلوله ایران هند بسیار مهم هستند. پاکستان هم همانند هند باید به‌تقاضای مصرف انرژی داخلی پاسخ دهد. همانطور که قبلاً گفته شده توسعه نیروی برق آبی، که منبع اصلی انرژی داخلی محسوب می‌شود، به‌دلیل فاصله‌اش با اکثر جمعیت پاکستان مشکلاتی را به‌همراه دارد. برای حل این مشکل، پاکستان برای رساندن الکتریسیته به‌مناطق روستایی به‌انرژی خورشیدی روی آورده است، و گرنه این مناطق در آینده‌ای قابل پیش‌بینی از الکتریسیته محروم می‌ماند چون این مناطق از شبکه اصلی کشور یا بسیار دور هستند یا اتصال آنها به‌شبکه هزینه بالایی دارد. (اداره اطلاعات انرژی، ۲۰۰۰). اگر پاکستان نیز همانند هند برای تامین و برآوردن تقاضای بازار از گاز طبیعی به‌عنوان یک منبع جدید قابل تجدید بهره‌برد، امکان دارد بتواند مشکل فقدان دسترسی به‌جمعیت‌های روستایی را حل کند. خطلوله از ایران شروع می‌شود و از جنوب غربی پاکستان به‌مولتان می‌رود. مولتان شهری است واقع در مرکز استان پنجاب. زمین بین مرز جنوب غربی پاکستان و ایران و مولتان عمدتاً بیابانی خشک است که ساکنان آن قبایل روستایی هستند. پیشنهاد می‌شود که از خطلوله برای مصارف داخلی مولتان نیز استفاده شود. این حقیقت که خطلوله از مناطق روستایی دور افتاده که نیازمند انرژی قابل تجدید هستند می‌گذرد چنین ایجاب می‌کند که خطلوله به‌صورت یک شبکه داخلی برای تامین گاز طبیعی جمعیت‌های روستایی موجود، توسعه یابد.

بنابراین خطلوله پیشنهادی توانایی بالقوه ارتقاء توسعه و بهره‌برداری منابع قابل تجدید و بالا بردن کارایی انرژی را دارا است و هر دوی این نتایج بالقوه، زیرمجموعه‌های اصلی قانون سال ۱۹۸۳ حفاظت از محیط‌زیست پاکستان هستند. موضوع‌های فرهنگی و اجتماعی نیز به‌مسائل محیط‌زیست مربوط می‌شوند. توسعه خطلوله با تجارت و سیاست‌های دولتی، منطقه‌گرایی و جهانی شدن در ارتباط متقابل است و در بطن این بحث، این سؤال مطرح است که چگونه تغییرات این عوامل در دگرگونی عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش داشته و با آنها در تعامل است.

عوامل فرهنگی

تمایل شرکت‌های نفتی غربی و چندملیتی در توسعه منابع در مناطق خاورمیانه و جنوب‌آسیا هم مورد استقبال قرار می‌گیرد و هم با مقاومت جمعیت بومی مواجه می‌شود. توسعه اقتصادی و همکاری بین کشورها و این شرکت‌ها، فرهنگ‌های سیاسی اجتماعی را مستقیماً در این مناطق متأثر می‌سازد.

عوامل اجتماعی

از نظر افرادی که در حرکت‌های اسلام‌گرایی در ایران و پاکستان فعالیت

می‌کنند همکاری شرکت‌های غربی در توسعه اقتصادی ممکن است به‌عنوان امپریالیسم مدرن یا ادامه استعمار شرق قلمداد شود. از سوی دیگر امکان داردا این فعالیت‌های مذهبی، سیاسی، شرکت غرب در این طرح‌ها را با دیدگاه‌های سکولار مرتبط بدانند این موضوع ممکن است با نیروهایی که در منطقه سعی در پیاده کردن زیرساخت‌های ملی برای تفسیر قانون اسلام دارند نیز تضاد داشته باشد. به همین علت اسلام‌گراها ممکن است توسعه منابع طبیعی و اقتصادی را توسط نیروهای غربی به‌عنوان راه حل عملی برای اوضاع روبه‌و خاست اقتصادی، فقدان توسعه پایدار و بحران انرژی آینده در جنوب آسیا در نظر بگیرند.

آنها بیش از هر چیز به موارد زیر توجه دارند:

۱- حفاظت از ارزش‌ها و رسوم اسلامی بر طبق تفسیرهای خود

۲- حذف هر عنصری از فرهنگ و اجتماع غربی که بتواند برای سنت‌های اسلامی در منطقه خطر ساز شود.

به علاوه، بنیادگرایی اسلامی در طول تاریخ به عنوان واکنشی در مقابل سیاست‌های سرمایه داری امپریالیسم غرب در کشورهای مسلم آن وجود داشته و به مثابه یک حرکت ضد امپریالیسم رادیکال به کاپیتالیسم حمله کرده است. (استالینگز ۶۱) ظهور بسیاری از حرکت‌های بنیادگرایی در کشورهای مسلمان در نتیجه شکست چپ سکولار و به امید ایجاد ایالت‌های سکولار مدرن صورت گرفت.

این واقعیت تاریخی به طور طعنه آمیزی در برابر حرکت‌های اخیر در دهه گذشته قرار می‌گیرد. در دهه مذکور، شرکت‌های متفاوت نفتی غرب برای انعقاد قرارداد ساخت خط لوله گاز طبیعی و نفت از آسیای مرکزی از طریق افغانستان به جنوب آسیا برای جلب نظر دولت اسلام گرای طالبان به رقابت پرداختند.

نمونه دیگری که نشان می‌دهد فرهنگ با پیشرفت اقتصادی ممکن است دستخوش تحول و دگرگونی شود، در ساخت خط لوله و مسیری که طی می‌کند مشخص می‌شود. هر دو موضوع مستقیماً با محیط زیست و جمعیت‌های بومی در ارتباط می‌باشند پروژه خط لوله ایران به پاکستان در طول مسیر خود، با جمعیت‌های قبیله‌ای متفاوتی در مناطق روستایی بلوچستان روبرو خواهد بود. این در حالی است که بخش اعظم خط لوله در همین منطقه ساخته خواهد شد. از دیدگاه فرهنگی اجتماعی امکان پدید آمدن تضادهای مختلف در نتیجه این رویارویی وجود خواهد داشت.

اولاً برای ساخت چنین خط لوله طویلی تعداد زیادی از کارگران محلی به کار گرفته می‌شوند. گرچه این پروژه بسیاری از ساکنان فقیر روستایی پاکستان را به طور موقت به کار می‌گیرد، ممکن است با پویایی کارگر محلی تداخل پیدا کند برای مثال استان بلوچستان در طول ۲۰ سال گذشته به علت جنگ داخلی افغانستان با هجوم دائمی پناهندگان مواجه بوده است. این پناهندگان فقیر و بی‌سواد به دلیل ارزان بودن، الویت اول را برای کار محلی نسبت به کارگران پاکستانی دارا هستند آنها با دستمزد کمتری نسبت به کارگران پاکستانی کار می‌کنند. لذا تنش‌های زیادی بین کارگر افغانی که در جستجوی پناهگاه و آرامش در همسایگی پاکستان می‌باشد و کارگر بلوچ که سعی در تهیه غذا برای خانواده‌اش دارد و با دستمزد اندکی مواجه می‌باشد وجود دارد. هر دو گروه در جستجوی کسب سود و منفعت بیشتر از ساخت خط لوله با منافع بالقوه در مناطقشان هستند با توجه به این مساله، این سؤال پیش می‌آید که کدام گروه در روند استخدام کارگر با دستمزد اندک امتیاز بیشتری را کسب می‌کند.

در حالی که ساخت فیزیکی خط لوله به تعداد زیادی کارگران غیرماهر نیاز دارد. در مراحل فنی کار تکمیل خط لوله به کارگران ماهر و آموزش دیده با پیش زمینه‌هایی در علوم و فناوری نیاز است. این کارگران ممکن است از خارج و یا داخل کشوری که در آن عملیات ساخت صورت می‌گیرد تامین شوند. به دلیل تاکید زیاد بر شغلها و آموزش‌های علمی و فنی در دهه‌های اخیر در دو کشور هند و پاکستان، استخدام کارگران ماهر، شغل‌های مورد نیاز بیشتری را برای رده تحصیل کرده متوسط به‌ارمغان خواهد آورد. ثانیاً، به دلیل اینکه خط لوله از میان مناطق روستایی در پاکستان می‌گذرد، با مالکان فنودال یا قبایلی که زمین‌ها را در اختیار گرفته‌اند برخورد پیدا خواهد کرد. به همین دلیل، دولت پاکستان ممکن است به این گروه‌ها امتیازهای غیر رسمی برای دسترسی به منابع گاز طبیعی و یا کنترل خط لوله بدهد. گزینه دیگر این است که دولت رسماً زمین‌ها را از این گروه خریداری کند هر دو صورت این گزینه‌ها می‌تواند تغییر کند و یا با تفکرات فرهنگی و اجتماعی اجتماعات قبیله‌ای تناقض داشته باشد.

به‌عنوان مثال، قبیله‌ای خاص ممکن است با زمین ارتباطی تاریخی، سیاسی یا خانوادگی داشته باشد و یا دادن زمین بیشتر به یک خانواده ممکن است باعث ایجاد قدرت سیاسی بیشتری برای آنها نسبت به خانواده‌ای که زمین کمتری دارد شود. در عین حال فروش زمین توسط گروه‌های مشخص، ممکن است ساختارهای سیاسی اجتماعات قبیله‌ای را آشفته سازد. در نهایت، پیشرفت، ساخت و استفاده مستمر از خط لوله ممکن است طرز زندگی اجتماعات بومی روستایی را چه در پاکستان و چه در هند متحول سازد. در پاکستان از هم اکنون در مورد پیشنهاد توسعه ذخایر گاز طبیعی در زیستگاه ملی حیات وحش کیرتار در جنوب ایالت سند نارضایت‌هایی وجود دارد.

علاوه بر گروه‌های بین‌المللی محیط‌زیست، اداره حیات وحش و مردم بومی ساکن این منطقه نیز به‌اکتشاف گاز در این منطقه اعتراض کرده‌اند اکتشاف گاز نه تنها به‌زیستگاه صدمه می‌زند، بلکه بر طرز زندگی مردم بومی نیز ممکن است اثر بگذارد. استخراج ذخایر گاز طبیعی و نیاز به کارگر ارزان قیمت، می‌تواند اقتصاد کشاورزی جمعیت‌های روستایی را متحول کند. اعلام نیاز برای کارگر ارزان قیمت به‌طور غیرقابل اجتنابی باعث مهاجرت کارگران از جمعیت‌های روستایی به مراکز ساخت خط لوله و محل‌های در حال صنعتی شدن می‌گردد و این در عمل باعث تغییرات تاسف باری در اقتصاد محلی روستاییان می‌شود. در صورت تغییر در وضعیت بازار کار در محل‌های مجاور، جمعیت‌های مذکور دیگر قادر به تکیه بر تولیدات کشاورزی و کارگر نخواهند بود. ساخت و ساز و صنعتی شدن در روند توسعه، خصوصاً در کشورهای فقیر، جزء عوامل منفی نیست. با این حال باید به این مساله توجه داشت که دولت‌ها و شرکت‌ها نتیجه این فعالیت‌ها را به‌درستی در اجتماعات بومی روستایی ارزیابی کنند. خط لوله برای اجتماعات روستایی در هر دو کشور هند و پاکستان، گاز طبیعی که بسیار مورد نیاز آنها است را تامین می‌کند. خانواده‌های ساکن روستاها که از مدفوع حیوانات برای تامین سوخت استفاده می‌کردند می‌توانند از گاز طبیعی برای اجاق‌های کوچک قابل حمل استفاده کنند. در مناطق روستایی در حال توسعه، خانواده‌ها می‌توانند به‌جای استفاده از انرژی‌های گران قیمتی چون ذغال سنگ، نفت و چوب از گاز طبیعی استفاده کنند که از نظر اقتصادی و محیط‌زیستی مقرون به‌صرفه‌تر و بهتر است. بدین ترتیب، جمعیت‌های روستایی خواهند توانست با منابع انرژی بیشتر و ارزاتر در مسیر توسعه حرکت کنند.